

the modern world brings a special privilege to persuasion , disclosure , openness and creation of a coalition against savagery and using force .today 's diplomatic goals emphasize on creating attraction and creating followers with high motivation and willingness to achieve agreements .never have they ever been so open to ideas and pictures .with increasing access to information and speed of information transmission , the ability of governments to promote their views to foreign public opinion has become the main characteristic of diplomacy in media diplomacy .in the meantime , the discourse of islamic revolution of iran with the thoughts of western intervention and domination and thoughts and thoughts of western and un - islamic led to the west media resort to supporters of pahlavi regime and supporters of monarchy in the form of media diplomacy to overthrow the islamic revolution of iran over the years .presenting a more realistic image with positive features of monarchy regimes and magnifying the problems of contemporary is one of the most important strategies for western media flow and royalists to overthrow the islamic republic of iran .in fact , western media diplomacy alongside economic pressures , pursues another war as diplomacy against iran in this strategy the ultimate goal is to create a threat by the people .in a way that people realize that the system has no more efficiency and is already weakened to collapse .

دیپلماسی رسانه ای غرب در قبال ایران با تاکید بر پروژه احیای سلطنت

سیدجعفر جدی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲۵

بشیر اسماعیلی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۹

مسعود جعفری نژاد^۳

چکیده:

دنیای نوین امتیاز ویژه ای برای اقناع، آشکارسازی، گشودگی و ایجاد ائتلاف در مقابل توحش و استفاده از زور با خود به ارمغان آورده است. اهداف دیپلماتیک امروز، بیش از آن که بر دستیابی به توافقات مبتنی باشد، بر ایجاد جاذبه و خلق پیروانی با انگیزه و تمایل بالا تاکید دارد. پیش از این هرگز مرزها تا به این حد به روی جریان عقاید و تصاویر گشوده نبوده اند. با افزایش دسترسی به اطلاعات و نیز افزایش سرعت انتقال اطلاعات، توانایی دولت‌ها برای ترویج دیدگاه‌های خود به افکار عمومی خارجی به ویژگی اصلی دیپلماسی بویژه دیپلماسی رسانه ای تبدیل شده است. در این میان تقابل گفتمانی انقلاب اسلامی ایران با اندیشه های مداخله جویانه و استعمار طلبانه غرب و تفکرات و اندیشه های غربی و غیراسلامی موجب تمسک رسانه ای غرب به طرفداران رژیم پهلوی و طرفداران سلطنت در قالب دیپلماسی رسانه ای برای برانداری انقلاب اسلامی ایران در طول سالیان گذشته شده است. ارائه تصویری نوستالوژی با ویژگیهای مثبت از رژیم های سطلنتی و بزرگنمایی مشکلات و چالش های معاصر یکی از مهمترین راهبردهای جریان رسانه ای غرب و سلطنت طلبان برای برانداری جمهوری اسلامی ایران بشمار می رود. در واقع دیپلماسی رسانه ای غرب در کنار فشارهای اقتصادی، جنگ دیگری را با عنوان دیپلماسی رسانه ای علیه جمهوری اسلامی ایران پیگیری می کند در این راهبرد هدف نهایی ایجاد تهدید موجودیتی توسط مردم است. به گونه ای که مردم به این نتیجه برسند که نظام دیگر کارایی خود را ندارد و به حدی ضعیف شده که در آستانه فروپاشی قرار گرفته است. در روش تحقیق حاضر که مبتنی بر روش توصیفی- تحلیلی می باشد سعی م گردد با تحلیل و راهبردهای مشترک پی گرفته شده توسط رسانه های غربی و سلطنت طلبان به این پرسش اساسی پاسخ داده شود که تبعات امنیتی پروژه احیای سلطنت در راستای دیپلماسی رسانه ای غرب علیه ایران چیست؟ که در این پژوهش با وکاوی و تحلیل بیشتر آن پرداخته می شود.

واژگان کلیدی: دیپلماسی، دیپلماسی رسانه ای، سلطنت طلبان، براندازی

۱ گروه علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران sjjaddikashan@gmail.com

۲ گروه علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران (نویسنده مسئول) esmaeili@iaush.ac.ir

۳ گروه علوم سیاسی، واحد اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران jafarinezhad@iaush.ac.ir

بیان مساله

پیگیری راهبرد مقابله رسانه ای غرب علیه جمهوری اسلامی ایران پس از گذشت ۴ دهه از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، نشان از ادامه رویکرد خصمانه و براندازانه غرب و عناصر وابسته به آنها دارد راهبرد هایی که در طول ۴ دهه گذشته به تناسب شرایط سمت سوی خود را از تحمیل جنگ های نیابتی همچون جنگ تحمیلی عراق از ایران و همچنین حملات مالی -جستکی از مخالفین و گروهک های مسلح ضد انقلاب عوض کرده و آرایش میدانی بر اساس راهبرد جدید در قالب دیپلماسی رسانه ای و جنگ رسانه ای ترسیم شده است که در قالب آن مخالفان جمهوری اسلامی ایران سعی می کنند با تضعیف و براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران مهره های نفوذی خود را در ساختار نظام سیاسی کشور جای دهند از اینرو یکی از مهمترین گروه هایی که برای این منظور مدنظر قدرت های غربی می باشد گروه های سلطنت طلب به رهبری فرزندان محمد رضا شاه پهلوی می باشد که بدین منظور قدرت رسانه ای و بخش مهمی از دیپلماسی رسانه ای خود را برای بهبود وجهه این خاندان در قالب خوب بودن شرایط قبل انقلاب و خدمتگزار بودن این سلسله بکار می گیرند.

از سوی دیگر سلطنت طلبان نیز که پس از پیروزی انقلاب اسلامی با آرزوی بازگشت دوباره تاج و تخت در خارج از کشور، تشکلی ایجاد کرده بودند از همان آغازین سالهای پیروزی انقلاب اسلامی توطئه ها و جنایات های خود بر علیه ملت ایران و انقلاب اسلامی را آغاز کردند. البته در این مقطع ابتدایی دلیل شوک ناشی از انقلاب اسلامی و نیز نبود فرماندهی واحد به منظور ایجاد تشکل در صفوف سلطنت طلبان، چندان تحرک جدی در این زمینه دیده نمی شود ولی پس از مدتی و با استقرار نظام جمهوری اسلامی و به خطر افتادن منافع نامشروعی که غرب در ایران برای خود فراهم کرده بود و با مشاهده جدی بودن عزم واراده رهبران نظام در تحقق اهداف انقلاب و سازش ناپذیری آنان، و نیز شکست برخی توطئه ها همچون تجزیه طلبی در شکست جمهوری اسلامی ایران، بار دیگر گروه های سلطنت طلب به عنوان بخشی از نیروهای ضد انقلاب در کانون توجهات دشمنان ملت ایران قرار گرفت و به همین دلیل، بخشی از توطئه هایی که دشمنان ملت ایران بر علیه ملت ایران انجام دادند به دست این گروهها صورت گرفت . در این مدت، نقش آفرینی سلطنت طلبان در توطئه بر علیه نظام اسلامی همواره در نوسان بود به گونه ای که در پاره ای مواقع چندان نقشی به این گروهها داده نمی شد و در پاره ای موارد نیز نقش های جدی را بر عهده می گرفتند که همین مساله نشان می دهد که نظام سلطه و دشمنان ملت ایران، به این گروه ها همچون سایر گروههای ضد انقلاب صرفا به مثابه ابزار تحقق اهداف غرب و پادو می نگرد که به تناسب شرایط خاص، از آن بهره برداری می نماید و هر گاه احساس نماید هر گروهی پتانسیل لازم را برای تقلیل با نظام اسلامی ندارد وی را به آرامی کنار می گذارد و مهره دیگری را فعال می نماید. همچنین نکته دیگری که وجود دارد این است که به دلیل سابقه منفی که ملت ایران از سلطنت طلبان در ذهن خود دارند ، اولویت اصلی دشمنان نظام در طی این مدت استفاده از مهره های دیگر به جای آنان بوده و امروز نیز که بار دیگر این گروهها را در کانون توجهات خود قرار داده اند ، تلاش می کنند تا شاید از فراموشی حافظه تاریخی ملت و نیز تجدید نسل ها و بی اطلاعی آنها از بسیاری از واقعیت ها

استفاده کرده و پس از تطهیر چهره های منتسب به نظام سلطنتی، با ترسیم عصری طلایی از دوران سلطنتی، نقشه های خویش را اجرایی سازند.

در این راستا جنگ نرم طرفداران سلطنت طلبان در پوشش دیپلماسی رسانه ای و در راستای تخریب مرزهای اعتقادی، رواج فساد و بی بند و باری و تهاجم فرهنگی از طریق راه اندازی دهها سایت و شبکه ماهواره ای وابسته و همکاری با شبکه های ماهواره ای مشابه که یکی از مهم ترین آن را باید راه اندازی شبکه من و تو عنوان کرد که هر چند این شبکه ظاهراً از سوی این گروهک راه اندازی نشده است اما سلطنت طلبان نقش مهمی در اداره آن دارند. همچنین ساخت چندین مستند با هدف تطهیر سلطنت طلبان و سرپوش گذاشتن بر جنایت های آنان از جمله مستند زندگی فرح، جشن های ۲۵۰۰ ساله و اخیراً ساخت مستند رضا شاه، شاهدهی دیگر بر نقش و تاثیر سلطنت طلبان در این شبکه ماهواره ای می باشد. به هر حال یکی از مهمترین اهداف این شبکه عبارت است از فعالیت تخریبی بر علیه فرهنگ و اعتقادات مردم ایران و همان پروژه ای که رژیم پهلوی نیز روزگاری در صدد پیاده کردن آنها بود و البته حاصلش جز اشاعه فساد و بی بند و باری در میان ایرانیان چیز دیگری نبود و اکنون همان خط مشی در میان دست اندرکاران شبکه های ماهواره ای سلطنت از تلویژن ماهواره ای پارس، اندیشه و شبکه تلویزیونی من و تو در جریان است که با توجه سوابق ناکارآمد و تخریبی آن مورد هجمه و انتقاد دیگر گروه های مخالف و رقیب خود قرار گرفته اند که بعضاً برای گروه های سلطنت طلب جایگاهی در تبلیغات سیاسی خود علیه نظام جمهوری اسلامی ایران قائل نیستند.

برخی از این گروهها که حتی در زمان قبل از انقلاب اسلامی در فضای سیاسی ایران با یکدیگر رقیب بودند نیز در سال های اخیر برای چپاول جیب ایرانیان خارج کشور و گرفتن بودجه از سازمان های دولتی غربی برای مبارزه بی ثمر با نظام اسلامی به شدت با یکدیگر رقابت دارند در این میان هر گروهی که بیشتر بتواند نظر دولت های غربی را برای پیشرو بودند در مبارزه بر علیه نظام اسلامی جلب نماید مورد حمله دیگر گروهها قرار خواهد گرفت به عنوان مثال در دو سال گذشته با روی کار آمدن ترامپ در آمریکا و سیاست های جنگ طلبانه وی سلطنت طلبان در این کشور و سایر کشورهای متحد با آمریکا مورد اقبال بیشتری قرار گرفته اند و این موضوع حسادت و مخالفت دیگر گروههای ضد انقلاب خارج نشین را برانگیخته است. به عنوان نمونه علیجانی، به عنوان یکی از رهبران و نمایندگان ملی - مذهبی در خارج از کشور، در مقاله ای با انتقاد از رضا پهلوی، پروژه احیای سلطنت را بشدت زیر سؤال برده است وی در این مقاله اعتقاد دارد که پروژه احیای سلطنت با پرچم سازی از رضا پهلوی، نقشه و سناریوی اسب تروای بدنام ترین و تندروترین جناح های نئوکان در آمریکا و افراطیون اسرائیل و سردمداران جدید عربستان است که ناشی از اعتقاد آمریکایی ها به این نکته که رضا پهلوی نسبت به دیگر افراد مخالف حکومت ایران شناخته شده تر و مهم تر از آن در رابطه با تاثیرپذیری (و حتی اطاعت) از غربیان، «نرم» تر است.

رویکرد «نگاه به خارجی» خود رضا پهلوی نیز مورد اعتراض و وسیع هواداران قدیم و جدید سلطنت هم قرار گرفته است و بعضی فعالان سیاسی بزرگترین اشکال رضا پهلوی را عدم استقلال و نگاه و اتکا به خارج وی می دانند که این امر نیز خود منتقدین و مخالفان زیادی در بین اپوزسیون و مخالفان خارج از

کشور دارد که مانع از حتی قدرتمندی طیف سلطنت طلبان در بین مخالفین جمهوری اسلامی ایران می شود اما همین نگرش وابستگی به قدرت های غربی، به اهرمی در راستای منابع برخی کشورهای غربی مخالف جمهوری اسلامی ایران همچون ایالات متحده تبدیل شده تا با حمایت رسانه و دیپلماسی رسانه ای دستگاههای تبلیغاتی خود از جریان سلطنت طلب در ایران، در کنار اعمال تحریم های ظالمانه خود علیه جمهوری اسلامی و وارد کردن خسارت های اقتصادی و تحمیل برخی مشکلات در حوزه های اجتماعی و سیاسی و .. موضوع سلطنت را در ایران به عنوان راه حلی مناسب برای بازسازی ثبات و امنیت منطقه ای و همچنین افزایش توسعه ایران در وجوه مختلف عنوان کند. در این میان دیپلماسی رسانه ای غرب می کوشد با ارائه روایتی نوستالژیک و آرمانی از دوره سلطنت پهلوی و .. در ایران آرمانی مناسب برای توسعه و پیشرفت در ایران را نظام سلطنتی معرفی و از این گروه ها و طرفداران آن حمایت کند که در صورت افزایش این رویکرد حمایتی و تداوم آن می تواند در صورت عدم توجه، جمهوری اسلامی ایران را که در منطقه بی ثبات خاورمیانه تاکنون توانسته است از امنیت و ثبات اجتماعی-سیاسی برخوردار باشد، دستخوش برخی حوادث و بی ثباتی مدنظر غرب کند که در پژوهش حاضر به تحلیل و واکاوی بیشتر آن پرداخته می شود.

مفهوم شناسی

۱- رسانه

در تعریف رسانه گفته می شود که از نظر لغوی رسانه^۱ و نیز رسانه‌ها^۲ به معنی 'رساندن' است و در ساده ترین و عمومی ترین تعریف آن به معنای ابزار و وسیله ی نقل و انتقال اخبار و اطلاعات است (نوریخس، ۱۳۹۸: ۱) رسانه ها امروزه به یکی از بازیگران اصلی حاضر در کارزار دیپلماسی تبدیل شده اند آنها در تمام مراحل فرایند شکل گیری سیاست خارجی نقش دارند و رهبران سیاسی، رسانه ها را از جنبه های ملی و بین المللی مورد توجه قرار می دهند (خرازی آذر، ۱۳۸۸: ۴۳)

با گسترش حوزه ارتباطات، رسانه ها نقش مهم تری در تصمیم گیری یافته اند. جهانی شدن ارتباطات موجب شده تا دولت ها پیش از دریافت گزارش نمایندگان خود، نسبت به موضوعات مهم از طریق رسانه های رسانه های بین المللی و سایت های اینترنتی آگاهی یابند. با توجه به اینکه نحوه انعکاس یک موضوع ارتباط مستقیمی با دیدگاه ها و منافع سیاسی انتقال دهنده دارد؛ لذا رسانه های عمومی نقش فزاینده ای در جهت دهی به دیدگاه های مسئولان تصمیم گیر داخلی و بین المللی ایفا می کنند. این موضوع به اندازه ای اهمیت دارد که دولت ها، گزارش های برخی رسلنه های بین المللی را پیش از گزارش کارگزاران خود دریافت و مطالعه کرده و و حتی در برخی موارد با دید مثبت تری نسبت به آنها برخورد می کنند (ظریف، ۱۳۸۷: ۲۹۷)

^۱ - Medium

^۲ - Media

۲-۲- دیپلماسی

برای دیپلماسی. تعاریف زیادی بیان شده است. تنها در کتاب دیپلمات و دیپلماسی ۴۶ تعریف، که هرکدام جنبه ای از این پدیده را توضیح می‌دهد، بیان شده است. تمامی این تعاریف هدف مشخصی را دنبال میکنند. «پیشبرد سیاست خارجی» مبنای مشترک اکثر تعاریف دیپلماسی است (آلادپوش و توتونچیان، ۱۳۷۲: ۴)

ریشه لغوی این مفهوم، از واژه یونانی «دپیلما» به معنی کاغذ لوله‌شده یا تاخورده، گرفته شده است. تا اواخر قرن ۱۸، دیپلماسی به علم مطالعه اسناد و مدارک گفته می‌شد و از آن پس به علم اداره روابط بین‌المللی اطلاق شد. در واقع دیپلماسی، کوششی است که یک بازیگر بین‌المللی برای مدیریت و حل و فصل اختلافات محیط بین‌الملل، از طریق کار با یک بازیگر بین‌المللی دیگر به کار می‌گیرد. (ظریف، ۱۳۸۷: ۱۹۶) به طور کلی سه نوع دیپلماسی برای کشورها می‌توان متصور بود که شامل کنش مند، فعال و منفعل است. در دیپلماسی کنش مند، کشورها درصدد تعریف بازی، تدوین قواعد و صحنه آرای بین‌المللی در جهت استقرار نظم مطلوب خود هستند. براساس دیپلماسی فعال، کشورها در پی استفاده بهینه از فرصت‌های به وجود آمده در راستای منافع و اهداف ملی خود می‌باشند. اما در دیپلماسی انفعالی، واکنش منفعلانه به رویدادها و رفتارهای بین‌المللی به صورت موردی و روزمرگی است. دیپلماسی کارآمد بر پایه تبدیل منافع متعارض به منافع رقابت‌آمیز و تبدیل این منافع به منافع موازی و سپس به منافع مشترک، تدوین و اعمال می‌شود. یعنی در این نوع دیپلماسی با معیار قراردادن منافع ملی در سیاست خارجی، دشمن را به مخالف، مخالف را به رقیب، رقیب را به همکار و همکار را به شریک تبدیل می‌نماید. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۰)

انواع دیپلماسی

۱- دیپلماسی شبکه‌ای^۳:

این نوع دیپلماسی عبارتست از آمیزه‌ای از دیپلماسی سنتی که در آن دیپلمات‌ها با مقامات عالی رتبه و رهبران کشور میزبان یا سایر کشورها کار می‌کنند و به هر حال دیپلمات‌ها مستقیماً با شهروندان خارجی سروکار دارند.

۲- تله دیپلماسی^۴:

این نوع دیپلماسی هم اینک به عنوان یک جنبه کلیدی در محیط سیاسی دیده می‌شود که بر نتایج و نیز فرایند سیاست خارجی اثر می‌گذارد که در نتیجه توانایی پاسخگویی سریع به جریان شتابنده اتفاقات یکی از شاخصه‌های اصلی در ارزیابی قابلیت تعامل با دیگران بوده و در سازمان و عملکرد سیستم‌های ملی در دیپلماسی منعکس می‌گردد.

^۳ - Net Diplomacy

^۴ - Tele Diplomacy

۳- دیپلماسی مجازی^۵

این شکل از دیپلماسی اقدامات دیپلماتیک از راه دور و انجام امور مربوطه را بدون استقرار در سفارتخانه‌های خارجی در بر می‌گیرد. (بیات، ۱۳۸۵: ۴۲، ۴۴ و ۴۵)

۴- دیپلماسی رسانه‌ای

مفهوم دیپلماسی رسانه‌ای^۶ در واقع همزاد گسترش رسانه‌های نوین و دیجیتالی است و تعریف این مفهوم با توجه به اهمیت و جایگاه و نقش آن (منفی و مثبت) نیز با گذشت زمان دستخوش تغییر و تحولات چشمگیری شده است لذا برای بازشناسی و کارکرد آن ابتدا باید آن را تعریف کرد اما ذکر این نکته ضروری است که در تعریف این مفهوم نیز مانند بسیاری از پدیده‌های اجتماعی در بین نظریه پردازان حوزه علوم ارتباطات و سیاست اجماع وجود ندارد اما می‌توان در تعریف این مفهوم به رغم تمام اختلافات واحدهای زبانی و نکات مشترکی یافت که مهم‌ترین آن 'پیشبرد سیاست خارجی' است. (نوریخس، ۱۳۹۸: ۱)

از این منظر، دیپلماسی رسانه‌ای را با تاثیرات بی‌نهایت گسترده به صورت کلی: «کاربری رسانه‌ها از سوی رهبران و دیپلمات‌ها به منظور تحلیل و پیشبرد دیپلماسی و سیاست خارجی» توصیف می‌کنند که به طور ویژه امتداد دیپلماسی و سیاست خارجی هر کشور با هر نظام رسانه‌ای و در هر نظام سیاسی-حاکمیتی است. دیپلماسی رسانه‌ای موفق با برد انتشار جهانی بالا؛ بخشی از قدرت دیپلماتیک و توان سیاست خارجی کشورها را به تصویر می‌کشاند. (خرازی آذر، ۱۳۹۴: ۱۱۸)

امروزه دیپلماسی رسانه‌ای به عنوان یکی از شاخه‌های اصلی فعالیت‌های دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی، از اوایل قرن حاضر میلادی پدیدار و به بخش چشمگیری از دیپلماسی عمومی کشورهای قدرتمند جهان تبدیل شده است. اکنون، فناوری‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی، گستره دیپلماسی و سیاست خارجی را از تحریریه‌های روزنامه‌ها، تلویزیون‌ها و رادیوهای جهانی به شبکه‌های اجتماعی کشانده‌اند. این همان عاملی است که در عصر جامعه اطلاعاتی، شکل‌گیری فضای روابط متعامل دیپلمات‌ها و رسانه‌ها را الزامی کرده است؛ فضایی که در آن، پیشبرد سیاست خارجی و دیپلماسی بیش از پیش به میزان تاثیرگذاری تاکتیک‌های خبری و رسانه‌ای وابسته شده است؛ چنان که هر قدر تاکتیک‌ها پر قدرت تر و تاثیرگذارتر طراحی شوند، چرخ‌های سیاست خارجی روان تر می‌چرخد. (شیرآیلو، ۱۳۹۶: ۱)

رسانه‌ها؛ حلقه اتصال دیپلماسی دولت‌ها به افکار عمومی جهانی

در متن سیاست‌ها و بازیهای برآمده از طرحها و استراتژیهای مبتنی بر اصول و ارزشهای دموکراتیک رایج امروز در جهان، دسترسی به دیپلماسی موثر بستگی به توان بسیج اکثریت افکار مردم به ویژه مخاطبان دولت در عرصه بین‌المللی و جهانی دارد. چرا که در جوامع معاصر مردم اساساً از طریق رسانه‌ها، به

^۵ - Virtual Diplomacy

^۶ - media diplomacy

خصوص تلویزیون، اطلاعات کسب می کنند و عقیده سیاسی خود را شکل می دهند. از این رو می توان گفت که حکومت کردن به ارزیابیهای روزانه تاثیرات بالقوه تصمیم‌گیریهای نهاد حکومت بر افکار عمومی وابستگی می یابد. و رسانه‌ها با گستره پوشش فراملی و اغلب جهانی، مهمترین تغذیه کننده های ذهن مردم هستند. (کستلز، ۱۳۸۰: ۳۷۷)

-جنگ رسانه

جنگ رسانه ای، یکی از برجسته ترین جنبه های «جنگ نرم» و «جنگ های جدید بین المللی» است. اگر چه جنگ رسانه ای عمدتاً به هنگام جنگ های نظامی کاربرد بیشتری پیدا می کند، اما این به آن مفهوم نیست که در سایر مواقع، جنگ رسانه ای در جریان نبوده یا مورد استفاده قرار نمی گیرد. جنگ رسانه ای، تنها جنگی است که حتی در شرایط صلح نیز بین کشورها به صورت غیررسمی، ادامه داشته، هر کشوری از حداکثر توان خود برای پیشبرد اهداف سیاسی خویش با استفاده از رسانه ها، بهره گیری می کند. جنگ رسانه ای، ظاهراً میان رادیو و تلویزیون ها، مفسران مطبوعاتی، خبرنگاران خبرگزاری ها، شبکه های خبری و سایت های اینترنتی جریان دارد؛ اما واقعیت این است که در پشت این جدال ژورنالیستی، چیزی به نام «سیاست رسانه ای یک کشور» نهفته است که مستقیماً توسط بودجه های رسمی مصوب مجالس کشورها یا بودجه های سری سازمان های اطلاعاتی و امنیتی و سرویس های جاسوسی، تغذیه می شود. (ابرار معاصر، ۱۳۹۶: ۲۶)

هدف جنگ رسانه ای، اگر چه در واقع، تغییر کارکرد و عملکرد دولت هاست، اما به طرز ملموسی، به جای هدف قرار دادن مستقیم دولت ها، ملت ها را هدف بمباران خود قرار می دهد. این عقیده وجود دارد که اگر بتوان افکار عمومی را نسبت به موضوع یا پدیده ای قانع کرد یا به آن سمت و سو و جهت خاصی بخشید، دولت ها نیز تحت فشار افکار عمومی، به آن سمت کشیده شوند. (همان، ۲۷)

جریان سلطنت طلبی و رویکرد آن به انقلاب اسلامی

جریان سلطنت طلبی یکی از مهمترین جریان های فعال در خارج کشور می باشد که در کنار برخی حمایت های ضعیف داخلی طرفداران خود، علی رغم شکست و اضمحلال آن در تاریخ سیاسی ایران با انقلاب شکوهمند سال ۱۳۵۷ به رهبری امام خمینی (ره) برهه های زمانی مختلف به ابزاری در دست جریان های رسانه ای غرب برای اعمال فشار علیه جمهوری اسلامی ایران بکار برده می شود که با توجه به اهمیت آن در این بخش با نگاهی اجمالی به ریشه های فکری آن در گذشت تا کنون می پردازیم.

این جریان از لحاظ فکری ریشه در ایران پیش از اسلام دارد. این جریان ضمن اعتقاد به نظام سلطنتی و حمایت و طرفداری از حاکمیت یک خاندان به صورت موروثی بر مقدرات کشور، شاه را به عنوان محور همه ای امور کشور دانسته، از قدرت مطلقه ای او طرفداری می کند و توجیه گر فساد و ظلم شاهان بوده است. اعضای آن خود را نوکر، غلام خانه زاد، چاکر جان نثار و حلقه به گوش شاه می دانند. هدف جریان سلطنت طلب، حفظ و تقویت نظام سلطنتی و اجرای اوامر شاه بوده است (زند، ۱۳۹۳: ۳۷)

پیشینه و زمینه‌های شکل‌گیری جریان سلطنت‌طلب

به دنبال فتح ایران به دست سپاه اسلام و قرا گرفتن ایران تحت حاکمیت خلافت اسلامی، و بعد از ضعیف شدن امپراتوری‌های اسلامی، سلسله‌های مختلفی روی کار آمدند؛ در دوره صفویان (۹۰۷-۱۱۳۵ هـ.ق) با وجود نزدیکی دین و دولت و رسمی شدن تشیع، در کنار جریان اصیل اسلامی علما و روحانیت شیعه، جریان دربار و سلطنت نیز وجود داشت که از منافع سلسله‌ی حاکم و شاهان صفوی حمایت می‌کرد. با تأسیس سلطنت قاجار (۱۱۷۴) ش یا ۱۲۱۰) سلطنت‌طلبان حامی این سلسله برای رسیدن به منافع شخصی و دنیوی، جایگاهی در حکومت به دست آوردند. (شمیم، ۱۳۷۴: ۲۷)

با ظلم و ستم شاهان قاجار و هواداران سلطنت‌طلب، نهضت عدالت‌خواهی و مشروطه‌طلبی (کسروی، ۱۳۳۰: ۲۳۱) به رهبری روحانیت (جریان اسلامی) و همراهی روشنفکران، در زمان مظفردالدین شاه به پیروزی رسید. از این پس تقابل دو جریان اسلامی و سلطنت‌طلب با وجود تحول سلطنت مطلقه به مشروطه تداوم یافت. سلطنت‌طلبان مستبد (مطلقه) خواهان نابودی نهضت مشروطه و بازگشت به استبداد سابق بودند و در برهه‌ای از زمان نیز استبداد صغیر را بر پا کردند و مجلس شورای ملی را به توپ بستند. (نجمی، ۱۳۷۷: ۴۵)

پس از کودتای رضاخان (سوم اسفند ۱۲۹۹ ش (و تاج‌گذاری او (۱۳۰۴) هواداران نظام سلطنتی در کنار روشنفکران لائیک، زمینه را برای استبداد کبیر رضاشاهی با یاری انگلیس فراهم ساختند. آنان با حمایت از دیکتاتوری رضاشاه و استبداد خشن او به سرکوبی جریان اسلامی و دیگر مخالفان پرداختند و با تقلید از ظواهر تمدن غربی، سکولاریزم را بر کشور حاکم کردند. سلطنت‌طلبان در این دوره کوشیدند تا از حاکمیت اسلام در کشور و نقش آن در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جلوگیری نمایند. تلاش برای جایگزینی حقوق غرب به جای فقه اسلامی، برگزاری کنگره‌های بین‌المللی باستان‌شناسی، کوشش بی‌فرجام برای زدودن لغات عربی از زبان فارسی، تغییر محتوای برنامه‌های درسی مدارس، تأسیس مدارس مختلط دخترانه و پسرانه، کشف حجاب و منع مراسم عزاداری بر ائمه (ع) تلاش برای سرکوبی روحانیت و حوزه‌های علمیه (روحانی‌زدائی و نابودی کیان اسلام) نظایر آن همه و همه از فعالیت جریان سلطنت‌طلب برای مبارزه با اسلام و جریان اسلامی بود (غنی، ۱۳۸۷: ۴۹).

سلطنت‌طلبان ادامه‌ی سیاست برخورد با اسلام را در عصر محمدرضا پهلوی این بار به کمک امریکاییان با شدت و ضعف در مقاطع مختلف پی گرفتند. دشمنی آنان به‌ویژه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بسیار شدت یافت. (مکی، ۱۳۸۲: ۲۵).

اما سرانجام با ظهور امام خمینی در رأس جریان اسلامی، انقلابی عظیم به‌وقوع پیوست و در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، طومار نظام شاهنشاهی و جریان سلطنت‌طلبان حاکم به دلیل فساد در زمین و ظلم بر مردم، محاکمه و به اعدام محکوم شدند و گروهی از آنان نیز گریختند و به کشورهای غربی به‌ویژه

امریکا پناه بردند. این جریان هم‌اکنون در دو شاخه‌ی سلطنت‌طلبان مطلقه و سلطنت‌طلبان مشروطه‌خواه، رضا پهلوی (ولیعهد) را به‌عنوان رهبر خود پذیرفته و به فعالیت‌های ضد نظام جمهوری اسلامی در خارج از کشور مشغولند

مبانی فکری جریان سلطنت‌طلب

جریان سلطنت‌طلب از مبانی عقیدتی و ایدئولوژیک روشنی همچون دیگر جریان‌ها برخوردار نیست، با این حال طرفداران نظام سلطنتی برای بقای خود اصول یا مبانی فکری زیر را ترویج می‌کنند:

۱- شاه محوری:

بر این اساس شاه مرکز، قلب و قطب همه‌ی امور در کشور است و همه چیز باید حول او به گردش درآید. شاه برای این جریان، موجودی مقدس به‌شمار می‌رود و بندگی او شرط ورود به این جریان است. طبق این دیدگاه شاه موجودی الهی، سایه‌ی خدا، دارای فرآیزدی و شخصی کاریزماتیک است. سخن او قانون به‌شمار می‌رود و خود نیز در اجرا یا زیر پا گذاشتن آن طبق استبداد شخصی و هواهای نفسانی آزاد است (مظفری، ۱۳۸۷: ۱۵۵)

القای رهبری واحد به صورت اسطوره‌ای ریشه در تاریخ نظام شاهنشاهی ایران داشت. عملکرد محمدرضا شاه نیز در راستای تبدیل شدن به یک رهبر تمام عیار بود به نحوی که خود را به‌عنوان فرمانده ابدی شاهنشاهی تصور می‌کرد. او در پاسخ به خبرنگار مجله‌ی آلمانی "اشپیگل" گفت: «ملت ما پادشاه را به‌عنوان پدر، رهبر، و معلم خود می‌شناسد...» (پهلوی، ۱۳۸۵: ۸۷۸) و همچنین در کتاب "به سوی تمدن بزرگ" می‌نویسد: «وضع خاص شاهنشاهی ایران ایجاب می‌کند که به گفته‌ی معروف کریستین سن، یک شاه واقعی در این کشور، نه تنها رئیس کشور، بلکه در عین حال یک مرشد و یک معلم برای ملت خویش باشد.» (پهلوی، ۱۳۵۵: ۱۷).

۲- نظام سلطنت به‌عنوان موهبت الهی (وفاداری به نظام سلطنت):

همچنان‌که شاه سایه‌ی خدا در زمین است، سلطنت نیز موهبت الهی است. حکومت در واقع ملک شخصی شاه و حق انحصاری او است و هر کس را حق دخالت در آن نیست. وفاداری به رژیم سلطنتی و اعتقاد به این‌که بهترین رژیم سلطنتی در جهان، این نوع نظام است، مبنای دیگر این جریان محسوب می‌شود. شاه در کتاب "مأموریت برای وطن" این فکر را طرح می‌کند که سلطنت برای کشور ضروری بوده است و در طول ۲۵۰۰ سال سلطنت مداوم، این نهاد تنوع و گوناگونی را به وحدت و یکپارچگی تبدیل کرده است. ما همیشه دارای اقوام، رنگ‌ها، مذاهب و شرایط و باورهای اقتصادی و سیاسی گوناگون بوده‌ایم، ولی در سایه‌ی سلطنت همه‌ی این واگرایی‌ها و تنوعات در قالب یک کل بزرگتر قرار گرفته‌اند که شخص شاه نماد آن است. (دارابی، ۱۳۸۰: ۱۰۸)

۳- باستان‌گرایی و ناسیونالیسم:

سلطنت‌طلب‌ها از ایران قبل از اسلام با عظمت یاد می‌کنند و با تحسین از دوران باستانی، اسلام را به چشم دشمن می‌نگرند. بدین‌سان، با تحقیر ارزش‌های دینی در پی احیای آداب و رسوم جاهلی پیش از اسلام‌اند. آن‌ها ناسیونالیسم گذشته‌گرا را برای ارائه‌ی ایدئولوژی جایگزین اسلام در ایران مطرح می‌کنند و می‌کوشند فرهنگ باستانی را به جای فرهنگ اسلامی بشناسند.

۴- رابطه‌ی خدایگانی - بندگی بین شاه و رعیت:

از دیدگاه سلطنت‌طلبان، مردم جزء نوکران شاه نیستند. از آنجا که از نظر آنان، شاه هم باید سلطنت کند هم حکومت، بنابراین مردم نه تنها در سرنوشت کشور حق مشارکت ندارند، بلکه به‌عنوان رعیت و بندگان شاه، بر اساس ادبیات سیاسی حاکم بر شاهان، جزء اطاعت و جان‌نثاری وظیفه‌ای ندارند و مجاز نیستند که در امور مملکت دخالت کنند. البته برخی سلطنت‌طلبان پس از انقلاب مشروطه ناچار شدند مانند نظام پادشاهی مشروطه‌ی غربی بین حکومت و سلطنت تفکیک قایل شوند. آنان می‌خواستند به نوعی بین حاکمیت شاه و حاکمیت مردم آشتی برقرار کنند، اما همین گروه نیز به دلیل تضاد بین حاکمیت شاه و مردم، کفه را به نفع شاه تغییر دادند و تلاش خود را برای بی‌رنگ کردن نقش مردم در امور سیاسی به کار بستند. اینان هنگامی که ناچار شدند مجلس و نظام نمایندگی را بپذیرند، درصدد برآمدند تا انتخابات فرمایشی برگزار کنند و حمایت نمایشی مردم را برای توجیه قدرت و سلطنت تبلیغ نمایند (مظفری، ۱۳۸۷: ۱۵۷).

۵- سکولاریزم:

سکولاریزم به معنای جدایی دین از سیاست، یکی دیگر از مبانی فکری جریان سلطنت‌طلب است. دین اسلام در ایران همواره مانعی در برابر فساد شاهان و درباریان بوده و با استبداد و ظلم مبارزه می‌کرده است. از این رو شاه، دربار و سلطنت‌طلبان حاکم، همواره کوشیده‌اند تا از دخالت دین در امور اجتماعی و سیاسی جلوگیری کنند. آنان هر چند از ترس مردم متدین ناچار به تظاهر به دین بودند، در واقع علاقه‌ای به دین و دین‌داری نداشتند. سلطنت‌طلبان بر اساس سیاست ماکیاویستی ضمن تلاش برای جدایی دین از سیاست، برای رسیدن به قدرت و منافع شخصی هر جا که فرصت پیدا کرده‌اند، به استفاده‌ی ابزاری از دین و اخلاق پرداخته‌اند. به هر حال، شواهد تاریخی نشان می‌دهند که این گروه در عمل به‌شدت ضد دین و اخلاق فاضله عمل کرده‌اند (دارابی، ۱۳۸۸: ۱۰۹).

۶- غرب‌زدگی:

سلطنت‌طلبان از دوره‌ی قاجار به بعد به شدت در برابر دنیای غرب احساس حقارت کرده‌اند. براین اساس تقلید از ظواهر تمدن غربی به شکل افراطی از جمله مبانی فکری آنان به حساب می‌آید. برداشت سطحی از مدرنیسم (نوگرایی) غربی، بدون پشتوانه‌ی عقلانی و همچنین عدم توجه به زیر ساخت‌های آن، سلطنت‌طلبان را به رفتاری احساسی نسبت به بهره‌گیری از تمدن غربی واداشته است

۱- تضعیف ایران

دیپلماسی رسانه ای غرب در کنار فشارهای اقتصادی، جنگ دیگری را با عنوان دیپلماسی رسانه ای علیه جمهوری اسلامی ایران پیگیری می کند در این راهبرد هدف نهایی ایجاد تهدید موجودیتی توسط مردم است. به گونه ای که مردم به این نتیجه برسند که نظام دیگر کارایی خود را ندارد و به حدی ضعیف شده که در آستانه فروپاشی قرار گرفته است. در حقیقت غربی ها به رهبری آمریکایی ها القاء فروپاشی در ذهن را مقدمه فروپاشی ایران می دانند و به همین دلیل در پروژه قدرت اعمال فشار، از همه ابزارها استفاده می کنند از جمله تحریم و تهدید نظامی تا عملیات رسانه ای. اما آنچه بیشتر از همه در القاء فروپاشی نقش تعیین کننده دارد رسانه ها و فضای مجازی است. بر همین اساس اصلی ترین تاکتیک های تبلیغی دشمن در فضای رسانه قابل بررسی می باشد.

تصویر سازی ذهنی مدلی است که برای توضیح تغییر نگرش ها مورد استفاده قرار می گیرد.

بر اساس این نظریه، انسان بیش از آنکه با واقعیات کار داشته باشد، با برداشتی که از واقعیت در ذهنشان ایجاد می شود، سر و کار دارد و نهایتاً نیز بر اساس همین برداشت ها و تصاویر، موضع اتخاذ کرده و تصمیم گیری می کند. در حقیقت نحوه پدیدار شدن مسائل در ذهن افراد است که تشکیل دهنده احساس ایشان است، نه آنچه که واقعیت دارد. ابزار تغییر در احساس و نگرش افراد رسانه های جمعی و فضای مجازی است. برای تغییر در نگرش جامعه حریف، ۳ تصویر متفاوت القاء می شود:

- تصویر مثبت از نظام سیاسی مطلوب؛

- تصویر منفی از نظام سیاسی حریف؛

- القاء فروپاشی انسجام اجتماعی و ارائه تصویر تضاد مردم با نظام سیاسی خود. با ایجاد تصاویر یاد شده، نوعی احساس از خود بیگانگی نسبت به تصاویر قبلی از خود و نظام سیاسی در ذهن مخاطب ایجاد شده و همین امر فضای تشویش و فروپاشی را به وجود آورده که ضمن نادیده گرفتن توانایی های نظام سیاسی، آنچه که در اذهان نقش می بندد، قدرت حریف و احساس زوال و فروپاشی در داخل است.

۲- آوردن ایران به پای میز مذاکره

یکی از اهداف مهم دیپلماسی رسانه ای غرب و متحدان منطقه ای آن علیه جمهوری اسلامی ایران که همراه با دیگر اهرم های اقتصادی و تحریم های بین المللی و یکجانبه ایالات همراه شده است القا

تضعیف و شکست جمهوری اسلامی از درون و در نتیجه ان استیصال و تسلیم شدن ایران و مجبور شدن آن به دادن امتیازات سیاسی-اقتصادی به غرب در قالب مذاکرات تحمیلی می باشد

۳- تضعیف قدرت منطقه ای ایران

پیروزی انقلاب اسلامی و فروپاشی رژیم پهلوی در ایران در سال ۱۹۷۹، باعث ظهور ایران به عنوان بازیگر عمده منطقه ای و معارض آمریکا در خاورمیانه شد. به اذعان برخی اعضای جامعه سیاسی آمریکا، انقلاب اسلامی در ایران به عنوان یکی از مهم ترین وقایع منطقه خاورمیانه پس از جنگ جهانی دوم، توازن قوا در منطقه را بر هم زد و ایران با اصل، «نه شرقی و نه غربی» در سیاست خارجی خود به عنوان قطب جدید قدرت که مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی بود در صحنه ظاهر شد. پس از پیروزی انقلاب، غرب و قدرت های بزرگ عملاً امتیاز حضور و دخالت مستقیم در جریان مسائل داخلی ایران را از دست دادند و در این میان حتی بازیگران حاشیه ای نیز به شدت تحت تأثیر قرار گرفتند. (محمدی، ۱۳۸۶: ۱۸)

۸-۴- تاکتیک های رسانه ای سطنت طلبان برای احیای پروژه سلطنت

باتوجه به این که مهمترین اهداف جریان سطنت طلب که به نام مشروطه خواه نیز شهرت دارد، احیای سلطنت در ایران است و اعضای آن اغلب از بازماندگان رژیم سابق ایران هستند. خود راملی گرا و طرفدار دمکراسی معرفی می کنند. رئیس اینان رضا پهلوی است. او در سال ۱۳۳۹ در تهران به دنیا آمد. وی ولیعهد سابق ایران و اولین فرزند محمدرضا شاه پهلوی و فرح دیبا است. او در سال ۱۳۵۷ ایران را ترک گفت. پس از مرگ پدرش در مصر، راهی مراکش و سپس آمریکا شد و در رشته علوم سیاسی از دانشگاه کالیفرنیا جنوبی در آمریکا، لیسانس گرفت. رضا پهلوی در کتابی که در سال ۲۰۰۲ با نام نسیم دگرگونی و به زبان انگلیسی منتشر ساخت دیدگاه های خود را در زمینه حمایت از جنبش های ((ناآرامی های مدنی و قیام های بدون خشونت)) مطرح کرد. سایر کتاب های او، میثاق با مردم و آزادی برای هم میهنانم می باشد که همه به زبان فارسی نیز برگردانده شده اند (لطیفی پاکده، ۱۳۸۶)

ضدانقلاب بویژه عناصر جا مانده و دلبسته به رژیم ظاغوتی و طرفدار پهلوی علیرغم گذشت چهار دهه از پیروزی انقلاب شکوهمند انقلاب اسلامی همچنان مشغول فضا سازی علیه جمهوری اسلامی در قالب دیپلماسی رسانه ای و ابزارهای وابسته به آن است و هر روز طرحی نو می افکند تا به گمان خود اقدامی علیه نظام اسلامی انجام داده و ضربتی وارد نماید. اپوزیسیون خارج نشین و رسانه های ایشان در فضای کنونی بیش از گذشته روی مسائل فرهنگی، هدایت شورش های داخل کشور و دفاع از افراد بازداشت شده سرمایه گذاری می کنند تا بتوانند به هدف نهایی که براندازی نظام جمهوری اسلامی است برسند، اما به دلایل مختلف از جمله؛ پراکنده بودن گروه ها، رواج بی اعتمادی در بین آنها، ضعف در رهبری و همچنین عدم تامین منابع مالی به نوعی دچار سردرگمی هستند. (بیگلدلی، ۱۳۹۸: ۱)

جریانات سلطنت پس از پیروزی انقلاب اسلامی اقدامات متعددی در تقابل بانظام جمهوری اسلامی ایران انجام داده اند که به بخشی از آنها شامل موارد زیر می باشد:

۱ - تلاش برای سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران به طرق و شیوه‌های مختلف که این هدف، اصلی‌ترین هدف سلطنت طلبان بوده و هست و در این راستا از هیچ اقدامی حتی کودتای نظامی بر علیه ملت ایران خودداری نکردند که تلاش برای انجام کودتای نوژه را باید یکی از این اقدامات دانست که با هماهنگی و همراهی سلطنت طلبان صورت گرفته بود.

۲ - خط‌دهی متعدد به دشمنان ملت ایران برای انجام حمله نظامی به ایران که این ماجرا در طی سالهای اخیر به شدت پررنگ شده است و حتی در رسانه‌های وابسته به این گروهها تلاش می‌شود تا اینچنین‌القاء شود که مردم ایران نیز از حمله نظامی آمریکا به ایران حمایت می‌کنند به عنوان مثال بهرام آبتین از اعضای سلطنت طلب در برنامه جنبش ایرانیان شبکه پارس تلویحا خواستار حمایت ناتو و حمله آن به ایران می‌شود.^۹

۳ - راه‌اندازی گروهک‌های تروریستی همچون انجمن پادشاهی ایران و تندر که دست به عملیات‌های متعدد تروریستی در ایران زده‌اند همچون انفجار در حسینیه شهدا وابسته به هیأت رهپویان وصال که حدود ۱۲۰ شهید و مجروح بر جای گذاشت.

۴ - همکاری گسترده با فتنه‌گران در جریان فتنه ۸۸ و تلاش برای براندازی نظام و نیز انجام انواع ساختار شکنی‌ها و حرمت شکنی‌ها در جریان این فتنه که در راس آنها باید به حرمت شکنی عاشورای ۸۸ اشاره کرد که نقش سلطنت طلبان در کنار بهایی‌ها در آن پررنگ بود.

۵ - جنگ نرم در راستای تخریب مرزهای اعتقادی، رواج فساد و بی‌بند و باری و تهاجم فرهنگی از طریق راه‌اندازی دهها سایت و شبکه ماهواره‌ای وابسته و همکاری با شبکه‌های ماهواره‌ای مشابه که یکی از مهم‌ترین آن‌ها باید راه‌اندازی شبکه من و تو عنوان کرد که هر چند این شبکه ظاهراً از سوی این گروهک راه‌اندازی نشده است اما سلطنت طلبان نقش مهمی در اداره آن دارند. همچنین ساخت چندین مستند با هدف تطهیر سلطنت طلبان و سرپوش گذاشتن بر جنایت‌های آنان از جمله مستند زندگی فرح، جشن‌های ۲۵۰۰ ساله و اخیراً ساخت مستند رضا شاه، شاهدی دیگر بر نقش و تأثیر سلطنت طلبان در این شبکه ماهواره‌ای می‌باشد.

چرایی شکست تاکتیک رسانه‌ای غرب در بزرگنمایی سلطنت طلبان در ایران

پروژه احیای سلطنت با پرچم‌سازی از رضا پهلوی، نقشه و سناریوی اسب‌تروای بدنام‌ترین و تندروترین جناح‌های نئوکان در آمریکا و افراطیون اسرائیل و سردمداران جدید عربستان بود که ناشی از اعتقاد آمریکایی‌ها به این نکته که رضا پهلوی نسبت به دیگر افراد مخالف حکومت ایران شناخته شده‌تر و مهم‌تر از آن در رابطه با تأثیرپذیری (و حتی اطاعت) از غربیان، «نرم‌تر است». (علیجانی، ۱۳۹۷: ۱)

شبکه و دیپلماسی رسانه ای غرب خیلی زود به این نتیجه رسید که سلطنت طلبان نه تنها جایگاه اندکی در داخل ایران ندارند حتی در داخل گروه های مخالف جمهوری اسلامی در خارج از ایران نیز وضعیت مناسبی ندارد. به گونه ای که رسانه سلطنتی انگلیس یا همان بی بی سی فارسی با انتقاد از نمایش های سیاسی این گروه و رهبری آن در قالب ارائه طرح های بیشمار شکست خورده و بویژه در زمینه طرح جدید پهلوی موسوم به «پیمان نوین» می نویسد:

«این نخستین باری نیست که آقای پهلوی در سال های گذشته تلاش کرده تا شماری از نیروهای اپوزیسیون گرد هم بیاورد... در ادامه بی بی سی اشاره می کند که از چند سال پیش تا به امروز سلطنت طلبان چند حزب تشکیل داده اند که همه آنها با شکست روبرو شده و سرنوشت شان یا انحلال بوده یا متروک و بی اثر مانده اند. این رسانه ضدانقلاب با اشاره به تشکیل گروهی به نام «ققنوس» توسط ربع پهلوی می نویسد: «پیشتر اسفند ماه سال ۱۳۹۷، به ابتکار شاهزاده رضا پهلوی در واشنگتن گروهی به نام ققنوس اعلام موجودیت کرد که قرار است به عنوان یک اندیشکده با بهره‌وری از دیدگاه‌های دانشمندان و پژوهشگران ایرانی، راه‌کارهایی را برای آینده ایران پیشنهاد کند.» (yjc.ir/fa/news/۷۵۰۹۴۸).

۱- افزایش آگاهی رسانه ای

یکی از دلایل عمده مخالفت جامعه ایرانی با ایده و طرح های موسوم به احیای پروژه سلطنت که در قالب حمایت از بازماندگان رژیم طاغوت و طرفداران اندک شمار رضا پهلوی تبلیغ می گردد، افزایش آگاهی های سیاسی و اجتماعی از شخصیت و ویژگی های فردی این شخص در طول دهه های قبل و بعد از انقلاب می باشد که کمک جراید و اطلاعات رسانه ای بیش از گذشته بیشتر شده است. نویسنده ای در این زمینه شخصیت لیدر سلطنت طلبان را چنین معرفی می کند: «او از پدری ضعیف النفس نسب می برد که علیرغم همه قدرت نمایی هایش تذبذبی همیشگی داشت. آموزش گران آمریکایی و نخستین او که می خواستند وی را برای ولیعهدی آماده و تربیت کنند از کم استعدادی او یاد کرده اند که بیشتر بدرد عالم ورزش می خورد. نه خود وی و نه زندگی خانواده و فرزندانش برای بازگشت به ایران سامان نیافته است. آنها اصلا میلی به بازگشت به ایران ندارند. فرزندانش حتی نمی توانند به راحتی فارسی حرف بزنند... وی همچنین با اشاره به ثروت های غارت شده و بادآورده خاندان پهلوی می نویسد: "سه، چهار نسل از خاندان پهلوی با سرمایه های مردم ایران زندگی کرده اند. رضا شاه قبل از سلطنت هیچ ثروتی نداشت اما به وقت ترک ایران بیش از دو هزار آبادی داشت که به زور از مردم گرفته بود سرمایه های خارج شده توسط محمدرضا شاه و خانواده اش نیز سر به آسمان می زند. آقای رضا پهلوی این سرمایه را ۶۲ میلیون دلار اعلام می کند! اما منابع دیگر آن را بسیار بسیار بالاتر و منحصر به نقدینگی ندانسته و شامل انبوهی از اوراق بهادار و سندهای ملکی در خارج از کشور و مقدار زیادی جواهرات و... می دانند. ایشان در این مورد هم شفاف عمل نمی کند (فریدون هویدا و روزنامه نیویورک تایمز سرمایه های خارج شده را با استناد به منابع بانک جهانی بین ۳ تا ۵ میلیارد دلار؛ اردشیر زاهدی و دادستان تهران در زمان شریف امامی ۳۱ میلیارد دلار؛ روزنامه فایننشال تایمز آمریکا ۳۵ میلیارد دلار، ذکر می کنند).

۲- عدم علاقه اکثریت جامعه به نظام پادشاهی

شاید یکی از مهمترین دلانلی که در ایران و در بین طبقات مختلف اجتماعی، کمترین علاقه ای به نظام پادشاهی سلطنتی مهمترین نمود و سمبل آن که دنبال کنندگان این تز در قالب حمایت از فرزند شاه مخلوع دنبال می کنند، ندارند این است که جدا از عدم اعتماد به نظام پادشاهی در کل، گزینه سلطنت طلبان یعنی رضا پهلوی-فرزند شاه مخلوع- کمترین صلاحیت و خصوصیت و ویژگیهای یک رهبر حتی متوسط برای هدایت و مدیریت یک جنبش اجتماعی برای تغییر حکومت در ایران را ندارد. علیجانی^۸ در مقاله ای در این خصوص می نویسد: «دقیقا به خاطر همین خصوصیات است که وی ابزار اجرای سیاستهای قدرتهای یاد شده می شود. اگر او خود جَنَم و صلاحیتی داشت، می شد خوش بین بود که او خود هم می تواند نقشی در این میان ایفا کند و شاید به خاطر زندگی در دموکراسی های غربی تاثیرات مثبتی هم بر ایران بگذارد و نقشی ولو ضعیف اما مثبت ایفا کند. او از تباری می آید که پدر بزرگ و پدرش باطرح و نقشه و دستور خارجی آمدند و رفتند (اردشیر زاهدی بارها روی مسئله وابستگی تاکید کرده است؛ حتی ربیعی فرمانده نیروی هوایی شاه در تعبیری نه چندان محترمانه گفته بود «ژنرال هایزر شاه را مثل یک موش مرده به خارج از کشور پرتاب کرد» فرح دیبا همسر شاه نیز روایت تلخی در این رابطه دارد در همین رابطه نقد و نصیحتهای پژوهشگر تاریخ محمدمامینی به رضا پهلوی نیز قابل اعتناست.» (علیجانی، ۱۳۹۷: ۳)

۳- مذهبی بودن جامعه

سلطنت طلبان از دوره ی قاجار به بعد به شدت در برابر دنیای غرب احساس حقارت کرده اند. بر این اساس تقلید از ظواهر تمدن غربی به شکل افراطی از جمله مبانی فکری آنان به حساب می آید. برداشت سطحی از مدرنیسم (نوگرایی) غربی، بدون پشتوانه ی عقلانی و همچنین عدم توجه به زیر ساخت های آن، سلطنت طلبان را به رفتاری احساسی نسبت به بهره گیری از تمدن غربی واداشته است. بر مبنای این فکر آنان به تغییر نوع پوشاک مردان و زنان، رواج الگوهای غربی، ایجاد کلپ و باشگاه های فساد، برگزاری میهمانی های مختلط زن و مرد همراه با رقص و موسیقی و برپایی کارناوال های شادی، حتی در ایام عزاداری امام حسین (ع) روی آوردند. (بصیرت منش، ۱۳۷۶: ۴۱)

این طیف نگرش یلطنت طلبان و نادیده گرفتن هویت اسلامی، دینی و ارزش ها و شعائر اسلامی موجلاب دوری آنها از فرهنگ اسلامی و جامعه خود و در نتیجه ان انزوای بیش از پیش تفکر ان در جامعه مذهبی ایران گردید و با مخالفت های آنان و عالمان دینی مواجه می گشت. از سوی دیگری از مهمترین راهبردهای غلط این طیف از سلطنت طلبان، احساس حقارت نسبت به تمدن غربی تا به آن حد در این جریان ریشه دارد که بدون شناخت صحیح، معیار پیشرفت را در کشف حجاب، کلاه لگنی (شاپو) و حتی توالد فرهنگی و وان حمام می دیدند. (همایون کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۴۴۶)

^۸- از فعالان ملی-مذهبی مخالف سلطنت طلبان

به هر روی این جریان خواست به تعبیر رضاشاه، صورتا و سنتا غربی بشود (مظفری، ۱۳۸۷: ۱۵۷). ادامه این نوع نگرش و تفکر در بین عناصر باقی مانده و طرفداران آن در سالهای پس از انقلاب که از سوی رسانه های این گروه در شبکه های ماهواره ای و کانال های خبری و رسانه ای خود تبلیغ می گردد همواره با عکس العمل منفی مردم مذهبی و دین مدار در جمهوری اسلامی ایران مواجه می شود که این خود یکی از دلایل دیگر مهم ناکامی سلطنت طلبان در پیگیری اهداف خود بر علیه نظام جمهوری اسلامی ایران هستند

۴-علاقه مندی جامعه به نظام دینی

یکی از مهمترین ویژگی های جامعه ایرانی مذهبی بودن آن و علاقه مندی آن به نظام دینی در طول اعصار تاریخی بویژه در دوران معاصر بوده است به گونه ای که حتی در دوران مشروطه نیز سعی در محدود نمودن اختیارات «دستگاه سلطنت» به وفور دیده می شود.

۵-ترجیح مردم به اصلاحات درون سیستمی بجای التهابات سیاسی

شاید یکی از مهم ترین علل عدم رغبت جامعه ایران به گروه های ضد انقلاب و در راس آن جریان های سلطنت را عدم صداقت و بروز رفتارهای متناقض در خط مشی های اعلامی و اعمالی آنها دانست به گونه ای که این گروه ها هر چند در در مجامع بین المللی از اعتراض مسالمت آمیز می گویند اما در عمل به دنبال ایجاد ناامنی و خشونت در ایران هستند. در این رابطه یکی از تحلیل گران در بررسی نکته ضعف سلطنت طلبان که آن را عامل مهمی در عدم اقبال مردم به فراخوانی آنها می داند جالب توجه می باشد: «ضعف این گروه ها، تناقضی است که در گفتار و رفتار دارند. در حرف می گویند ما طرفدار تغییر مسالمت آمیز هستیم اما در عمل هر نوع اعتراض خیابانی و ناآرامی را حتی اگر همراه با خشونت باشد، تشویق می کنند. نکته دوم هم اینکه، بیش از اندازه روی قدرت های خارجی، آمریکا، عربستان و اسرائیل حساب باز می کنند که در پروسه به قدرت رسیدن آنها کمک کنند.» (بزرین، ۱۳۹۸: ۱)

۶-اختلافات و مخالفت های دیگر احزاب اپوزیسیون خارجی با سلطنت طلبان

فعالتهای سیاسی و براندازانه سلطنت طلبان در سال های اخیر در قالب ساختارهای مختلف نه تنها نتوانسته است به موفقیت هایی در جذب مخاطبان خود در خارج و داخل کشور دست یابد بلکه با حرکت بسوی رویکردهای ساختار شکنانه و رادیکال در قالب ساختار جدیدی چون «فرشگرد» موجی از اعتراض و مخالف دیگر گروه های مخالف نظام در خارج از کشور را فراهم کرد به گونه ای که برخی از موسسین این جریان به فاصله کمتری از شکل گیری فرشگرد، از آن جدا و از فعالیت های رادیکال آنها اعلام براءت کردند. شکست این تشکل کمپین گونه از ابتدا مشخص بود چرا از نهاد سیاسی فرشگرد که در روز دوشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۹۷ با هدف براندازی نظام جمهوری اسلامی و با شعار

«ایران را پس می‌گیریم»، اعلام موجودیت کرد، تنها ۴۰ فعال سیاسی با بیانیه‌ای آغاز فعالیت این نهاد را اعلام کردند که به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران اکثر این افراد نیز از جایگاه سیاسی-اجتماعی چندانی حتی در بین مخالفان نظام برخوردار نبوده و حتی بعضاً گمنام و ناشناخته هستند. در این زمینه یکی از کارشناسان داخلی در ارتباط با این نهاد ضمن مخالفت با فرسنگرد آن را متشکل از «اشخاص کم‌اهمیت» و «اپوزیسیون جدید ساخته دست دولت آمریکا» خواند. شهبازی فرسنگرد را «به چیزی شبیه به ارتش آزاد سوریه» تشبیه کرد. (شهبازی، ۱۳۹۷)

بدین ترتیب آخرین ترکش‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی سلطنت‌طلبان نیز با توجه به از دست دادن پایگاه مردمی و نداشتن اتحاد تشکیلاتی از درون متلاشی و اهمیت خود را برای دستگاه اطلاعاتی و رسانه‌ای غرب برای تاثیر گذاری رسانه‌ای بر علیه جمهوری اسلامی ایران از دست داده است.

نتیجه‌گیری:

یافته‌های پژوهش مویید آن است که با گذشت ۴ دهه از پیروزی انقلاب اسلامی همچنان شاهد پیگیری راهبرد‌های تقابل جویانه غرب در مقابل جمهوری اسلامی ایران در قالب استراتژی‌ها و تاکتیک‌های متفاوت همچون جنگ رسانه‌ای و دیپلماسی رسانه‌ای در وجوه مختلف آن هستیم به گونه‌ای که در این میان هر چند راهبرد‌های دشمنان و مخالفان جمهوری اسلامی ایران در طول ۴ دهه گذشته به تناسب شرایط عوض شده و آرایش میدانی بر اساس راهبرد تعیین گردیده است اما در ماهیت و اهداف اصلی خود تغییری ایجاد نکرده‌اند به گونه‌ای که در کلیه سالهای پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون جنگ رسانه‌ای غرب علیه جمهوری اسلامی ایران، در وجوه مختلف خود که بعدها تبدیل به دیپلماسی رسانه‌ای نیز گردید در پوشش رسانه‌ای رادیو و تلویزیون‌ها، مفسران مطبوعاتی، خبرنگاران خبرگزاری‌ها، شبکه‌های خبری و وبگاه‌های اینترنتی کماکان ادامه داشته است. آنچه مسلم در پشت این حجم از سرمایه‌گذاری رسانه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران، امری به نام «سیاست رسانه‌ای» کشور‌های خاص غربی همچون ایالات متحده و ... نهفته است که مستقیماً توسط بودجه‌های رسمی مصوب مجالس کشورها یا بودجه‌های سری سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی و سرویس‌های جاسوسی، تغذیه و مدیریت می‌شود

در این راستا جمهوری اسلامی ایران از دوران انقلاب اسلامی تا کنون یکی از چالش‌ها و دغدغه‌های اصلی در بحث دیپلماسی عمومی غرب بویژه آمریکا بوده است که در طول این دوره نمود عینی خود را در کمک به نیروهای ضد انقلاب و بویژه سلطنت طلب در قالب تاسیس شبکه‌های ماهواره‌ای و رادیوهای مختلف خود را نشان می‌دهد. بدین گونه، دیپلماسی رسانه‌ای غرب در این میان با تکیه بر هزینه‌های زیاد در حوزه رسانه‌ای همچون ایجاد شبکه‌های خبری فارسی زبان همچون بی بی سی فارسی، ایران اینترنشنال، شبکه من و تو و سرمایه‌گذاری بر روی شبکه‌های ماهواره‌ای جدید همچون پارس تی وی، اندیشه و... و همچنین شبکه‌های خبری اینترنتی در کشورهای منطقه‌ای همچون عربیه فارسی و... سعی در تاثیر گذاری بر مخاطبین فارسی خود در مسیر القای ناکارآمدی و لزوم تغییر نظام سیاسی جمهوری اسلامی به صورت مستقیم و غیر مستقیم در پوشش رسانه‌ای کردند و در این مسیر

از ظرفیت گروه‌های معاند و ضد انقلاب و مخالف جمهوری اسلامی ایران همچون جریان سلطنت طلبان با محوریت پهلوی سوم اقدام نمودند

دلیل سابقه منفی که ملت ایران از سلطنت طلبان در ذهن خود دارند، اولویت اصلی دشمنان نظام در طی این مدت استفاده از مهره‌های دیگر به جای آنان بوده و امروز نیز که بار دیگر این گروه‌ها را در کانون توجهات خود قرار داده‌اند، تلاش می‌کنند تا شاید از فراموشی حافظه تاریخی ملت و نیز تجدید نسل‌ها و بی‌اطلاعی آنها از بسیاری از واقعیات‌ها استفاده کرده و پس از تطهیر چهره‌های منتسب به نظام سلطنتی، با ترسیم عصری طلایی از دوران سلطنتی، نقشه‌های خویش را اجرایی سازند. در این راستا همکاری و تحرک رسانه‌ای-تبلیغاتی طرفداران سلطنت طلبان با دستگاه دیپلماسی غرب در پوشش دیپلماسی رسانه‌ای و در راستای تخریب مرزهای اعتقادی، رواج فساد و بی‌بند و باری و تهاجم فرهنگی از طریق راه‌اندازی ده‌ها سایت و شبکه ماهواره‌ای وابسته و همکاری با شبکه‌های ماهواره‌ای مشابه که یکی از مهمترین آن‌ها باید راه‌اندازی شبکه من و تو عنوان کرد با هدف تاثیرگذاری بر مخاطبان داخلی خود در جمهوری اسلامی ایران پایه‌گذاری و با صرف هزینه‌های سرسام‌آور سعی در تغییر رویکرد سیاسی-فرهنگی و اجتماعی مخاطبان خود بویژه در قبال نظام سیاسی حاکم بر جمهوری اسلامی ایران کردند به گونه‌ای که با اتخاذ تاکتیک رسانه‌ای دو وجهی در قالب سیاه‌نمایی وضعیت موجود و ترسیم سیما تیره و تار از آینده نظام سیاسی ایران در قالب القای این خطوط فکری هستند:

-گسترده‌گی احساس نارضایتی و خشم و همه‌گیر شدن تقابل با نظام؛

- مردم نظام را نمی‌خواهند و به زودی به نبرد مسلحانه علیه نظام به پا می‌خیزند؛
- نخبگان در حال خروج از مرزها هستند و پدیده فرار مغزها به اوج خود رسیده است؛
- مردم نسبت به آینده و کارآمدی نظام نامید هستند؛
- سرمایه‌های مادی کشور به سرعت در حال خروج است؛
- مردم خود باید فکری به حال خود کنند چرا که هیچ مسئولی دغدغه مردم ندارد؛

در کنار پیگیری تبیغات رسانه‌ای فوق‌از سوی جریان رسانه‌ای غرب و ایادی سلطنت طلب آن بر ضد نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، این جریان از سوی دیگر به دنبال تطهیر چهره‌های منتسب به نظام سلطنتی پیشین، در قالب ترسیم عصری طلایی از دوران سلطنتی و... می‌باشد تا بدینوسیله بتواند راهبردهای رسانه‌ای خویش را در افزایش نارضایتی‌ها و اعتراضات در داخل ایران اجرایی سازند. در این رابطه، پوشش رسانه‌ای اعتراضات در ایران، ترغیب مخاطبان برای شورش و خرابکاری از یک سو در کنار ساخت چندین مستند با هدف تطهیر سلطنت طلبان و سرپوش گذاشتن بر جنایت‌های آنان از جمله مستند زندگی فرح، جشن‌های ۲۵۰۰ ساله و اخیراً ساخت مستند رضا شاه، نمونه‌هایی از تلاش آنان برای نقش‌آفرینی رسانه‌ای و تاثیرگذاری سلطنت طلبان بر مخاطبان خود می‌باشد. در این میان یکی از مهمترین اهداف سلطنت طلبان از تحرکات رسانه‌ای بر ضد نظام جمهوری اسلامی

ایران عبارت است از فعالیت تخریبی بر علیه فرهنگ و اعتقادات مردم ایران در ادامه همان پروژه ای می باشد که رژیم پهلوی نیز روزگاری درصدد پیاده کردن آنها بود و البته حاصلش جز اشاعه فساد و بی بند و باری در میان ایرانیان چیز دیگری نبود و اکنون همان خط مشی در میان دست اندرکاران شبکه های ماهواره ای سلطنت از تلویژنون ماهواره ای پارس، اندیشه و شبکه تلویزیونی من و تو با حمایت مالی، سیاسی و رسانه ای غرب در جریان است. در این راستا اهداف دیپلماسی رسانه ای غرب به طور عام و به طور خاص امریکا علیه جمهوری اسلامی دارای پنج هدف راهبردی رسانه ای است که در چهار دهه گذشته ثابت باقی مانده است هر چند در مقاطع مختلف زمانی به تناسب ماهیت و وزن متغیرها، از لحاظ حجم، نوع و تکنیک ها و تکنیک ها تفاوت های جدی بین آنها مشاهده میشود. اهداف راهبردی جنگ رسانه ای غرب علیه جمهوری اسلامی ایران عبارتند از ۱- ارائه چهره مخوف از اسلام و جمهوری اسلامی در نزد افکار عمومی جهان بویژه غرب

ترسیم ایران به عنوان محور شرارت در منطقه و جهان

ناکارآمدی نظام دینی در اداره جامعه و چالش مشروعیت

ارائه تصویر آرمانی از ارزشهای امریکایی و لیبرال دموکراسی امریکا

تلقین به بروز اجماع جهانی علیه ایران

آنچه مسلم با وجود تمامی این شگردهای تبلیغاتی و مسموم رسانه ای غرب و ضد انقلاب علیه نظام سیاسی جمهوری اسلامی، با توجه به سابقه منفی سلطنت طلبان در افکار و اذهان عمومی منجر به ضعف آنها در تاثیر گذاری رسانه ای و در نتیجه آن تبدیل شدن آنها به ابزاری در راستای اهداف راهبردی جنگ رسانه ای غرب به رهبری امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران شده است

سوابق ناکارآمد و تخریبی سلطنت طلبان در چنین فضایی حتی مورد حمله و انتقاد دیگر گروه های مخالف و رقیب برون مرزی نیز قرار گرفت به گونه ای که برای گروه های سلطنت طلب جایگاهی در تبلیغات سیاسی خود علیه نظام جمهوری اسلامی ایران قائل نشدند که در نتیجه این نوع رویکرد دیگر جریان های ضد انقلاب به سلطنت طلبان، این امر موجب تغییر رویکردها و ایجاد ساختارهای متعدد درونی در جریان سلطنت طلبان برای پوست اندازی و تاثیر گذاری بیشتر گردید اما با توجه به پراکندگی و اختلاف دیدگاه های درونی خود و عدم اقبال عمومی نسبت به ماهیت این جریان هر بار با بروز اختلافات و چند دستگی دچار فرو پاشی و انحلال گردید از این رو، عدم اطمینان مردم به این جریان و پیشینه آلوده آنها به فساد های گسترده سیاسی-اقتصادی در اذهان عمومی در کنار سر سگردگی آنها به غرب، موجب عدم اقبال عمومی مردم و مخاطبان داخلی جامعه ایرانی در سطوح مختلف طبقاتی و فکری-عقیدتی به این جریان گردید و در نتیجه آن، رویکرد رسانه ای غرب در قبال نظام سیاسی حاکم بر جمهوری اسلامی و استفاده ابزاری از سلطنت طلبان نیز همچون دیگر طرح های براندازانه و رسانه ای با شکست مواجه گردید

منابع:

کتاب

- آلاذ پوش، علی، علیرضا توتونچیان (۱۳۷۲)، دیپلمات و دیپلماسی. تهران، چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- بصیرت‌منش، حمید(۱۳۷۶)؛ علما و رژیم رضا شاه، تهران، عروج، چاپ اول،
- بیات، محمود(۱۳۸۵)، دیپلماسی دیجیتالی، چ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه،
- پهلوی، محمدرضا؛ به سوی تمدن بزرگ، تهران، مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی، ۱۳۵۵، چاپ اول،
- - خرازی آذر، زهرا و نرگس احسانی(۱۳۸۸) جریان شناسی جهانی رسانه های بزرگ، انتشارات معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی
- خرازی آذر، رها (۱۳۸۷)، رویکرد پسامدرنیسم به دیپلماسی رسانه‌ای، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- دارابی، علی(۱۳۹۰) جریان شناسی سیاسی در ایران، تهران: انتشارات خوارزمی، چاپ هشتم
- -دهقانی فیروزآبادی، جلال(۱۳۸۲)، الزامات سیاسی خارجی توسعه ملی در چشم انداز بیست ساله ایران، رهیافت های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۵، پاییز و زمستان.
- شمیم، علی اصغر(۱۳۷۴)؛ ایران در دوره‌ی سلطنت قاجار، تهران، شرکت چاپ و انتشارات سوره، چاپ پنجم.
- ظریف، محمدجواد (۱۳۸۷)، دیپلماسی چندجانبه، انتشارات دانشکده روابط بین‌الملل.
- غنی، سیروس؛ ایران برآمدن رضاخان برافتادن قاجار و نقش انگلیس‌ها، ترجمه حسن کامشاد، تهران، نیلوفر، ۱۳۷۷، چاپ اول
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات؛ قدرت هویت، ترجمه حسین چاووشیان، تهران، انتشارات طرح نو.
- کسروی، احمد(۱۳۳۰)؛ تاریخ مشروطه‌ی ایران، تهران، امیرکبیر،
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۷۶) رهبری در اسلام. تهران: انتشارات دارالحدیث.
- مظفری، آیت(۱۳۸۷)؛ جریان‌شناسی سیاسی ایران معاصر، قم، زمزم هدایت، چاپ سوم،
- مکی، حسین؛ کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و رویدادهای متعاقب آن، تهران، علمی، ۱۳۷۸، چاپ اول
- نجمی، ناصر؛ محمدعلی شاه و مشروطیت، تهران، زریاب، ۱۳۷۷، چاپ اول

- همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۹)؛ دولت و جامعه در ایران، تهران، مرکز، چاپ اول،

سایت ها

- برزین، سعید (۱۳۹۸) بی بی سی، سلطنت طلب و منافق، ابزار براندازی در ایران، سایت تحلیلی مشرق نیوز، نشانی بازیابی اینترنتی:

<https://www.mashreghnews.ir/news/۱۰۱۳۱۸۹>

- شیرآیلو، تورج (۱۳۹۶) دیپلماسی رسانه ای؛ ابزار قدرت نرم و مکمل دیپلماسی رسمی، مصاحبه با خبرگزاری ایرنا؛ ۹۶/۶/۱۷، نشانی اینترنتی:

<https://www.irna.ir/news/۸۲۶۶۸۹۰۱/>

. نوربخش، سید محمد باقر (۱۳۹۸) دیپلماسی رسانه ای - خبرگزاری ایرنا؛ ۱۲ اردیبهشت، نشانی اینترنتی:

<https://www.irna.ir/news/۸۳۳۰۰۷۰۳>